

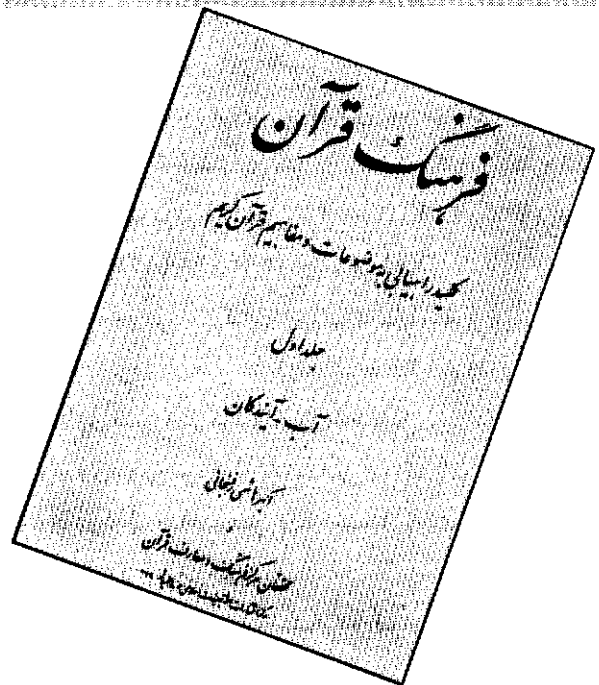
نمایی از «فرهنگ قرآن»

رضا بابایی

سر خیال خدمت به ساحت این گنجنامه حکمت را می‌پزد و خویش را در این راه دلکش به رنج و تعب می‌اندازد. سالیانی است که این خیال مقدس، همت‌های بسیاری را به گرد خود جمع آورده و هر روز برگ‌هایی به دفتر قرآن پژوهی می‌افزاید. برخی همه‌علاقه‌ها، گرایش‌ها و دانش خود را مصروف فهم بخشی از آن می‌کنند و گروهی راه را تا آستانه قرآن می‌کوبند و از آن پس، خود چشم به گام‌هایی می‌دوزند که از بارگاه بگذرند و به درگاه درآیند. تدوین ده‌ها فرهنگ‌نامه، دانشنامه، اندیشه‌نامه، کلیدهای فهم، راهنمای تفسیر و دیگر خدمات اطلاع‌رسانی از نوع اخیر است. این گونه تحقیقات راهگشا که به مثابه آویختن چراغ در راه قرآن‌شناسی و قرآن‌اندیشی است، اگرچه اندکند، بسی مغتنم و کارسازند.

«فرهنگ قرآن» که اینک جلد نخست آن، سر از «آب» عنایت بیرون درآورده و تا چشم انداز «آینده» پیش رفته است، نمونه‌ای درخور توجه برای همه‌علاقه‌مندان به پژوهش‌های قرآنی و تحقیقات مربوط به تفسیر و تأویل و فهم قرآن است. این فرهنگ مبارک، سال‌ها است که همت پژوهشگران بسیاری را صرف خود کرده و با ظهور نخستین طلیعه آن، بر گرمای بازار قرآن پژوهی، افزوده است. بر همه قرآن پژوهان و علاقه‌مندان به تحقیقات قرآنی است که با تحسین و تنقید این کار بزرگ اطلاع‌رسانی، راه را برای ظهور فرهنگ‌های فنی‌تر و جامع‌و‌وافی‌تر، بگشایند و با هر نکته که بر ترازوی نقد می‌گذارند، کاری سنجیده‌تر را به دسترس امت اسلامی، نزدیک‌تر کنند.

پیش‌تر یادآور می‌شویم که این فرهنگ به دلیل موضوعی بودن و تفصیل بسیار، از دیگر کارهای مشابه خود، فراتر می‌رود و از مصادیق «آنسی من قبله و آتعب من بعده» است؛ یعنی این توفیق را یافته است که پیشینیان خود را به فراموشی برد و آیندگان را به رنج افکند. نگارنده در این معرفی، می‌کوشد گزارشی به اجمال از کتاب حاضر به دست دهد و به نکاتی که بر او گرفته است، کمتر پردازد.



فرهنگ قرآن (کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم) جلد اول: آب-آیندگان، اکبر هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. نوبت چاپ: اول / ۱۳۷۹، شمارگان: ۳۰۰۰.

قرآن کریم، جنگلی انبوه از درختان معرفت و شاخه‌های هنر و گل‌های معطر ایمان و باور است. تفرج در این بوستان خوش‌رنگ و بو، مشام جان را می‌نوازد و دماغ دل را می‌پرورد و در سر، سودای عروج می‌اندازد. هیچ چشم دلی نیست که دامنی گل از این گلستان عرشی برچیند و تا ابد خود را وامدار لطف و صفای آن نداند. از این راه است که هر صاحب‌همتی در

آنها، نشان می دهد که سمت و سوی آنها، بیشتر اجتماعی و توجه به مسائل روز جامعه است؛ به طوری که می توان این فرهنگ را نگاهی دوباره به قرآن، از زاویه اجتماعی خواند. همین جا باید یادآور شد که اشتغال و شخصیت مؤلفان این فرهنگ، در انتخاب چنین نگاهی به قرآن عامل اصلی بوده و به همین جهت جایی فراخ برای چون و چراهای منتقدان احتمالی گذارده است. در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت. به گفته مسؤل مرکز فرهنگ و معارف قرآن در مقدمه، کاری که بر روی یادداشت های مؤلف صورت گرفت، بدین قرار است:

۱. افزایش اطلاعات موجود به چندین برابر؛
 ۲. الحاق مدخل های جدید؛
 ۳. تنظیم، طبقه بندی و ترتیب حاضر در کتاب؛
 ۴. غنی سازی مطالب؛
 ۵. برگرفتن شیوه ای نو و کارآمد در عناوین و تیرها؛
 ۶. ویرایش، صفحه آرایی و دیگر کارهای ساختاری.
- گویا تهیه کنندگان «فرهنگ قرآن» بر آن بودند که فرهنگی با این ویژگی ها عرضه کنند:
- فراگیر و جامع باشد؛
- تدوین و تنظیم آن به گونه ای باشد که مرجع و مأخذ تلقی شود؛
- قابل اطمینان و اعتماد باشد؛
- موضوعات مورد نظر، آسان یاب باشد.

به همین روی برای رسیدن به اهداف پیش گفته، نخست به کار مشکل و اساسی «مدخل یابی» دست یازیده اند، و پس از تحقیق و تشکیل پرونده برای هر یک از موضوعات، کار را تا تدوین و نگارش و طبقه بندی و کنترل و ویرایش پیش برده اند. مدخل یابی در چنین معجم معنایی و مفهومی، نیاز به مطالعه بسیار و کاوش در فهرست انواع معجم ها و تفسیرها دارد. افزون بر آن، مدخل یابان باید کتاب های مربوط به علوم قرآنی، شأن نزول، فهرست های تهیه شده برای تفسیرهای قرآن، کتاب های لغت، روایات تفسیری و هر چه که به کار مدخل یابی معنایی می آید، به مطالعه گیرند که گویا چنین مطالعاتی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن صورت گرفته است و براساس همین تحقیقات، هزاران مدخل ریز و درشت، تهیه و طبقه بندی شده اند. بازبینی، بازشناسی، کشف روابط میان واژه ها، تفکیک کلیدواژه های اصلی از فرعی و ... کارهای مرحله پس از گزینش مدخل ها است. کار مدخل یابی با ملاحظات زیر صورت گرفته است:

۱. ملاک انتخاب در مدخل ها، قرآنی بودن و داشتن اطلاعات... هر چند اندک... از آنها بود؛ به طوری که ذیل برخی از

«فرهنگ قرآن» نخستین مایه های خود را و مدار یادداشت ها و فیش برداری های آیه الله هاشمی رفسنجانی در زندان است. براساس همین یادداشت ها، پیش تر «تفسیر راهنما» به همت تنی چند از قرآن پژوهان قم تدوین شد و اینک همان ها اساس «فرهنگ قرآن» شده اند. آقای هاشمی رفسنجانی در مقدمه کتاب، توضیح می دهد: «آیات را از آغاز قرآن یکایک مطالعه می کردم و نکته های قابل استفاده را در فیش های کوتاه و گویا یادداشت می کردم و در کنار همان جمله های کوتاه، نمایه سازی هم می کردم، تا بعدها تفکیک اطلاعات به دست آمده به سرعت و به راحتی انجام گیرد و هر موضوعی جایگاه خود را در تدوین نهایی پیدا کند. مجموعه آن نوشته ها بالغ به ۳۲۰۰۰ فیش در ۲۲ دفتر دویست برگه شد». (ص ۷) ایشان پس از رهایی از زندان، در دوران مسؤولیت های کشوری، به فکر اتمام کار می افتند و از این رو پیشنهاد دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را برای تکمیل و سر و سامان دادن به آن یادداشت ها می پذیرند. «مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی، واحدی را به نام مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تأسیس کردند... پس از چندی فضیلات آن مرکز با اهداف و روش های کار آشنا و مشغول شدند. نتایج نخستین کار محققان، امیدم را بیشتر کرد. [کار آنان] تفاوت فاحشی با نمونه های گذشته داشت. به همین دلیل تصمیم گرفتم وقت بیشتری صرف کنم... و نیز از ابتکارات و نوآوری های آنان که کم هم نبود، استفاده نمایم... اعتراف می کنم که در سایه کار و مشاوره گروهی از فضیلات حوزه علمیه قم، کیفیت کار بهتر شده و روش های روشن تر و امیدبخش تری پیدا کرده است». (همان)

اطلاعات مربوط به کتاب و نحوه تدوین و تنظیم آن در مقدمه «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» آمده است. در این مقدمه، با انگیزه و دغدغه های کسانی که سهم مؤثری در انتشار کتاب داشته اند، آشنا می شویم. آنان بر این عقیده اند که: «آثار سامان یافته قرآنی، با هدف اطلاع رسانی از الفاظ قرآن، با همه تنوع و گستردگی، تاکنون نتوانسته اند پاسخی عام و جامع به نیاز مسلمانان و قرآن پژوهان بدهند... در این اثر پربرگ کوشیده ایم آموزه های زلال قرآن را از متن آیات برآوریم و پیش دیدگان علاقه مندان به قرآن کریم نهمیم». (ص ۱۳)

آنچه از این مقدمه برمی آید، هدف نخستین این فرهنگنامه، گردآوری همه اطلاعات براساس مفاهیم، و در نهایت طبقه بندی آنها برای استفاده آسان و سریع خواننده است. در این شیوه، آیات قرآن براساس معنا و محتوای آنها، فیش برداری و یا به اصطلاح نمایه سازی شده است و سپس زیر عناوین و موضوعات کلی- و یا به نسبت کلی- قرار گرفته است. نگاهی گذرا به موضوعات و نمایه های موجود در ذیل

معجم نگاری- گاه در ذیل مدخل ها، عبارات و توضیحاتی افزوده شده است.

در ذیل برخی از مدخل ها، به ذکر بخشی از یک آیه اکتفا شده است و این بدان رو است که ذکر تمام آیه در ذیل آن مدخل، ضرورت نداشته است. گاه نیز از بخش های یک آیه در ذیل مدخل های متفاوت استفاده شده است. تکرار آیات و یا پاره هایی از آنها در ذیل مدخل های متفاوت، به دلیل ربط یک آیه یا چندین عنوان و مدخل بوده است. بدین ترتیب، گاه از یک آیه برای توضیح چندین مدخل استفاده شده است. در مواردی که ارجاع ممکن بوده است، به شیوه ارجاع روی آورده و از ذکر آیه خودداری کرده اند. (ص ۱۷)

از مهم ترین کارکردهای «فرهنگ قرآن» عرضه اطلاعات طبقه بندی شده، است. مبنای کتاب در ترتیب اطلاعات، موضوع و حروف اول آنها است؛ یعنی اطلاعات، بر اساس الفبایی- موضوعی، طبقه بندی شده اند. بنابراین مدخل های مربوط نخست بر اساس الفبا، تنظیم شده و سپس موضوعات و واژه هایی که نیاز به ارجاع داشته اند، در جایگاه الفبایی خود قرار گرفته اند. در پایین هر مدخل، مجموعه اطلاعات مربوط به چند موضوع اصلی گردآوری شده است؛ آنگاه هریک از آنها بر اساس حروف الفبا رده بندی و شماره گذاری شده است. این گونه طبقه بندی اطلاعات، علاوه بر آنکه مسیر اطلاع رسانی را هموارتر می کند، به واقع نوعی تفسیر موضوعی نیز به حساب می آید. زیرا کاربر، با مجموعه ای از اطلاعات همگون و هم موضوع مواجه شده، می تواند بر اساس آنها در موضوعی، تحقیقی را سامان دهد. (ص ۱۷)

از دیگر فواید این معجم معنایی، شناسایی الفاظ و مدخل هایی است که در معنا به یکدیگر نزدیکند. ارجاع و برگرداندن مدخل هایی که فقط در معنا با یکدیگر تناسب و تشابه دارند، برای اهل تحقیق بسیار سودمند و مغتنم است. زیرا تفاوت های لفظی، گاه ذهن محقق را از نظر به آیات مناسب و مربوط با موضوع تحقیق دور می کند و این گره تنها در یک معجم معنایی قابل گشودن است.

ساختار معجم حاضر، از نوع ساختارهای پیش رونده و-یا به اصطلاح- ساختار درختی است؛ زیرا مدخل ها بر اساس برآوردن فرع از اصل شناسایی و جای گرفته است. در این گونه ساختارها، نخست عناوین کلی و عام (مانند اخلاق، اقتصاد، اعلام، انبیا، حقوق، گیاهان) تیتیر شده در ذیل آنها به مباحث اولیه و کلی بسنده می شود. سپس مسائل جزئی آنها به ترتیب الفبا، در پی می آید. «این شیوه در ساختار اطلاع رسانی، پژوهشگر را با بصیرت بیشتری نسبت به موضوع وارد می کند؛ زیرا نخست مهم ترین و

مدخل ها، یک آیه و یا حتی فزای کوتاه از یک آیه آمده است.
۲. در فارسی و یا عربی بودن و جمع و مفرد بودن مدخل ها، بیشتر به شناخته بودن آنها برای خوانندگان توجه شده است. از این رو برخی مدخل ها عربی و پاره ای فارسی است؛ زیرا ملاک، آشنا بودن و شهرت آن واژه ها است، نه اینکه به لغت فارسی یا عربی باشد.

۳. واژه هایی از قرآن که در زبان و ادبیات فارسی، شناخته شده و مشهورند، به عنوان مدخل از آنها استفاده شده است.

۴. مدخل های مربوط به علوم جدید، مانند جامعه شناسی، حقوق، روان شناسی، سیاست و طبیعیات هم به صورت تخصصی و هم به صورت عمومی شناسایی شده و در جای خود قرار یافتند.

مؤلفان «فرهنگ قرآن» در این مجموعه بیشتر علمی را مورد توجه قرار داده اند که به نوعی بارشد و تکامل فردی-اجتماعی بشر در ارتباطند. از این رو رهیافت ها و اصطلاحات روان شناسی، مسائل اجتماعی، سیاست، طبیعیات و حقوق را بیش از همه در کانون توجه خود نهاده اند: «از آجا که قرآن، کتاب علمی-به معنای رایج آن- نیست، محققان به شناسایی اطلاعات لازم درباره موضوعات پیش گفته از دیگر منابع پرداختند. این دانستی ها ما را برای در نظر گرفتن همه ابعاد یک موضوع یاری رساند و جامعیت قرآن را در توجه به ظریف ترین مسائل مربوط به انسان، آشکارتر کرد. ناگفته پیداست که آنچه در علوم تخصصی مورد نظر بود، تطبیق اصطلاحات بر اطلاعات قرآنی است». (ص ۱۶)

«اعلام قرآنی» بخش عظیمی از مدخل های «فرهنگ قرآن» را تشکیل می دهند. قرآن کریم، علاوه بر تصریحی که به نام برخی اشخاص و مکان ها دارد، اطلاعات فراوانی نیز درباره افراد تاریخی و یا سرزمین های باستانی، بدون ذکر نام و محل، به خوانندگان خود می دهند. در «فرهنگ قرآن» نام و ویژگی های کسانی که در قرآن به صراحت یا اشاره از آنها یاد شده است، مجال ظهور می یابند. لیکن مؤلفان هوشمندانه از ذکر نام دو گروه از اعلام خودداری کرده اند:

۱. اعلامی که اسناد آنها به آیه ها ضعیف است؛

۲. دسته ای از اعلام که دلیل اشاره به آنها در قرآن، نه اهمیت و تأثیر آنها، که تنها وجودشان در جایی از تاریخ و زمان است و مهمان طفیلی در داستان های قرآن اند.

عبارت پردازی های توضیحی و گزارشی در این مجموعه، کوتاه و معمولاً انشایی (تیتروار) است. به نظر می رسد نویسندگان کوشیده اند، اصول تفسیر نگاری و ساختار ادبی در نگارش متون تفسیری را در عبارات رعایت کنند. برای تسهیل استفاده همگانی از این مجموعه-برخلاف شیوه رایج و دایر در

کارسازترین اطلاعات مربوط را به او می دهد و پس از آن وی را به عرصه های فرعی ترمی کشاند». (ص ۱۷)

مبانی و اصولی که نویسندگان «فرهنگ قرآن» در استخراج مدخل ها و ترتیب و تنظیم آنها، اساس کار خود قرار داده اند، بدین قرار است:

۱. قبول ارتباط توفیقی میان فرازهای یک آیه و میان آیات یک سوره.

۲. استمداد از روایات تفسیری.

۳. استمداد از شأن نزول ها با رعایت معیارها. (۵ ملاک و معیار نام برده شده است)

۴. تطبیق: کشف و شناسایی نکات بدیع و تازه در قرآن که می توان آن را با مفاهیم و الفاظ بیرونی تطبیق داد؛ یعنی مفاهیمی که در قرآن به لفظ از آنها یاد نشده است؛ ولی می توان از آنها به آموزه های قرآن یاد کرد، مانند «شیوه تبلیغ انبیا».

۵. حجیت ظواهر.

۶. ساختار ادبی. در این معجم، بسیاری از مدخل از شیوه بیان قرآن استخراج شده است؛ یعنی با توجه به توانایی ها و استعداد زبان عربی، برخی مفاهیم از لابه لای آیات و الفاظ قرآن بیرون کشیده شده است. چنانکه هر مفسری، هنگام فهم و تفسیر قرآن باید به همه اصول و اسلوب زبان عربی آشنا باشد، معجم نگاران نیز از چنین مهارتی ناگزیرند.

شگردهای زبانی، در ادبیات عرب آنچنان فراوان است که می توان ادبیات عرب را باشکوه ترین زبان برای جولان فنون و صنایع ادبی دانست. بدیهی است که به کار گرفتن هر یک از این صنعت های لفظی و معنوی، چیزی بر معنای افزایش و یا زینتی بر او می آویزد.

در مجموعه حاضر کوشش شده است که به ابعاد کارکرد زبان عربی توجه شود و به دلالت های مطابقی الفاظ بسنده نشود. مثلاً می دانیم که تئوین نکره در مواردی دلالت بر تعظیم و گاه بر تقلیل می کند، یا آنجا که باید از اسم ظاهر استفاده شود، اگر موصول جای آن بنشیند و یا به عکس، مفید تعظیم یا تخفیف است. این گونه کارکردهای زبانی، به مدلول ها و مضمون های خاصی می انجامد و توجه به ظرافت های آنها، محقق را در فهم دقیق تر و عمیق تر آیات، یاری می دهد. گفتمنی است احتمال های تفسیری، چنانچه مبتنی بر ساختار ادبی و نحوی آیات هم باشد، لزوماً به معنای گزینش آخرین معنای آیه نیست؛ بلکه بیشتر برای توجه به ابعاد و گستره معنایی قرآن کریم است. بسا که همین احتمال های معنایی و چندگانگی در ترکیب یک عبارت، راه پژوهشگر را به سوی ژرفای قرآن بگشاید و او را به مقصود برساند. اگر چنین است، پس سزاوار آن است که به

هریک از احتمال های موجود در ترکیب و فهم آیات، توجه کافی شود و به راحتی از آنها نگذریم. مؤلفان این مجموعه، همه سعی خود را کرده اند که بیشترین توفیق را در صید این گونه ظرایف و لطایف داشته باشند و تا آنجا که می توانند به سویه های مختلف یک آیه نظر داشته باشند. (ص ۲۰) این رویه اگر به اوج خود برسد و در آینه کمال رخ نماید، نمایه گویایی از «اعجاز قرآن» خواهد بود. این گونه معجم های لفظی و معنایی، هر قدر کامل تر باشند، دریافت ناقص ما را از «اعجاز قرآن» بیشتر نشان می دهند.

۷. سیاق آیات. در نظر گرفتن سیاق آیات، همواره نکته آموز و هدایت گر مفسر است. سیاق آیات، از عواملی است که میزان اهمیت موضوعی را می توان از طریق آن سنجید.

۸. صفات، قیود و الغای خصوصیت. الغای خصوصیت از مورد و ذکر جداگانه صفات و یا حالات پسندیده و یا ناپسند در قرآن، این فایده را دارد که محقق را با مجموعه ای گسترده و فراوان از اصول و معارف کلی آشنا می کند، بی آنکه قید و یا خصوصیتی آنها را محدود کند.

۹. قرائت مشهور. (روایت حفص از قرائت عاصم)

۱۰. کاربرد لغات. در این مجموعه، مؤلفان به کارکردهای متفاوت زبان و بار معنایی لغات، با توجه به ریشه و عصر نزول آنها نظر داشته اند.

۱۱. مفهوم گیری. در این معجم، غیر از منطوق کلمات و جملات، گاه از مفهوم موافق و مخالف آنها نیز استفاده شده است.

۱۲. نقل قول ها. هرگاه قرآن از کسانی، سخنی را نقل کرده است، آن را بی رد و قبول وانتهاده است؛ بلکه ارزیابی خود را به شیوه خود، در ذیل آنها وارد می کند. نویسندگان معجم حاضر، پس از نقل نقل قول های قرآن، رد و قبول قرآن را نیز ضمیمه آن کرده اند.

اکثر پاورقی های کتاب حاضر، بیان دلیل برداشتی خاص از آیه است. در این افزوده ها، نویسندگان کوشیده اند پرده از دلایل خود در فهم خاصی از آیه مذکور در متن بردارند.

آنچه تاکنون آمد، خلاصه ای از شیوه کار و گستره آن در کتاب «فرهنگ قرآن» با استفاده از مقدمه های کتاب بود. اینک چند نکته - شاید درخور یادآوری می افزایم که امید می بریم برای عزیزان دست اندرکار تألیف این فرهنگ بزرگ، سودمند افتد.

۱. سمت و سوی مؤلفان و مدخل ها

معجم معنایی با همه سودمندی و ضرورتی که دارد، مشکلات بسیاری را نیز گاه فراهم می کند. در معجم های

بپذیرند و در پیشانی اثر نیز حک کنند که این فرهنگ با گرایشی خاص و با سمت و سویی از پیش تعیین شده، تدوین گردیده است. خوش بختانه پدیدآورندگان «فرهنگ قرآن» به همین طریق ره سپرده اند و در مقدمه از گرایش اجتماعی این اثر به صراحت یاد کرده اند؛ هر چند این گرایش ویژه نیز خود به چندین و چند شاخه دیگر قابل تقسیم و تنويع است.

۲. پیرنگی

به دلایلی که گفتن ندارد و بر هر اهل تحقیقی روشن است، قالب و حجم فرهنگنامه ها باید به گونه ای باشد که استفاده از آنها، اگر آسان تر از کتاب های دیگر نیست، سخت تر هم نباشد. برای آسانبایی و بهره وری بهینه از هر اثری، حجم و برگ و بار آن باید متناسب با میزان استفاده کاربران باشد. برای دستیابی به این ویژگی لازم و کارساز، مؤلفان چنین آثاری باید از همه ذوق و امکانات خود برای کم برگ و پر بار کردن کتاب های خود سود برند. «فرهنگ قرآن» اگرچه به دلیل اشمال بر مدخل های فراوان، برگ و باری متناسب دارد، اما به نظر می رسد مؤلفان محترم آن می توانستند با تمهیداتی، از برگ های آن بکاهند. مثلاً حذف آیات و اکتفا به آدرس آنها، خلل چندانی به استفاده از آن وارد نمی کرد؛ بویژه اگر توجه کنیم که به طور متوسط، هر آیه در این فرهنگنامه، بیش از ۱۰ بار تکرار شده و یا خواهد شد. به گفته ملیح حافظ:

بسا و حال اهل درد بشنو

به لفظ اندک و معنی بسیار

حذف آیات و اکتفا به آدرس آنها، اگرچه خواننده را نیازمند به مراجعه های پی در پی به قرآن می کند، این فایده را دارد که تهیه و استفاده از «فرهنگ قرآن» را سهل تر می کند. اساساً کتاب هایی با چنین خصوصیتی، می طلبد که دم دستی باشند و همواره محل رجوع و تصفح محققان باشند و دم دستی بودن کتابی، اقتضای آن را دارد که پر بار و در عین حال کم برگ باشد.

برای اختصار - نه اقتصار - در «فرهنگ قرآن» غیر از حذف آیات و اکتفا به آدرس آنها، راهکار دیگری نیز به ذهن نگارنده می رسد و آن، صرف نظر از برخی مدخل های کم فایده 444 یده و بعید الابتلا است. از آنجا که اثبات کم فایده بودن مدخلی، نیاز به دیدگاه و ذوق یکسان میان مؤلفان و خوانندگان دارد - که ممکن نیست - از آوردن نمونه خودداری می شود.

۳. نازک خیالی

به نظر می رسد برخی از مدخل ها از لوازم بعیده آیات، استخراج شده است؛ یعنی برخی از آنها به گونه ای است که بیرون

لفظی، الفاظ بیشترین نقش را در تعیین مدخل ها دارند و به همین جهت، کار می تواند در نهایت دقت و جامعیت باشد؛ اما در معجم های معنایی، لفظ، یک پای کار است و پای دیگر، فهم و شخصیت مؤلف است.

بنابراین هر قدر آفاق فکری و گستره دانش و ژرفای بینش معجم نگار بیشتر باشد، مدخل های بیشتری می تواند از الفاظ و مفاهیم قرآن، بیرون کشد. اما چنانچه نویسندگانی، با همه دانش و دقتی که به عمل می آورند، خود در زمره انسان هایی با دغدغه ها و سمت و سوهای خاصی قرار گرفته باشند، آیا گرایش ها و بینش های آنان، همسان قدر که یاریگر آنان در استخراج مدخل های ابتکاری است، دست و پای آنان را نیز نمی بندد؟ پیش تر یادآور شدیم که معجم «فرهنگ قرآن» بیش از هر چیز به اجتماعیات قرآن پرداخته است: اینک جای این پرسش هست که این بیشترینگی به دلیل حاق قرآن است، یا موقعیت و شخصیت مؤلفان. اگر مؤلف این گونه معجم ها، بیشتر در چنبر اندیشه های عرفانی بود، معجم او چگونه از آب درمی آمد؟ آیا نباید در این گونه کارهای بزرگ و ماندگار، مؤلفان قدری به تجرید خود از اندیشه های مرسوب در ذهن بکوشند و درک کنونی خود را ملاک قرار ندهند؟ همین معیارگزینی است که حجم مدخل های فرعی را در ذیل برخی مدخل های کلی در این معجم چنان فر به کرده است که انسان را به حیرت می اندازد و در کنار آن، مدخل هایی است که با همه اهمیت و محوریت آنها، چنان حجمی را به خود اختصاص نداده اند. مقایسه شود بین حجم مدخل «آب» با «آبرو». گرچه در قرآن از «آب» بیش از «آبرو» سخن رفته است، اما وقتی می توان مدخلی به نام «آب میوه» گشود و بر اساس روایتی درباره شراب عزیز، آیه ای را صرف چند مدخل مربوط به آب میوه کرد، چنین فعالیتی را هم می توان درباره «آبرو» کرد. اما گرایش و سمت و سوی مؤلفان - که بسیار هم طبیعی و ناگزیر است - ذهن آنان را درباره اموری همچون آب و آبادانی و آرامش و آسایش و حکومت و ... بسیار فعال تر کرده است. به هر روی مدعای این قلم آن است که غیر از متن قرآن، اندیشه ها و شخصیت هر مؤلفی در گزینش مدخل ها و تناسب حجمی آنها مؤثر است.

انتزاعی بودن مدخل ها، بالطبع به عنوانی می انجامد که بیش از هر چیز دغدغه مؤلف و روزگار او است؛ برخلاف معجم های لفظی که کمتر به این پیشانی گرفتار می آید. در چنین معجم هایی کار چندان دشوار و حساسیت برانگیز می شود که مؤلف را میان انتخاب یکی از این دو راه ناگزیر می کند: یا دعوی احاطه کامل بر مفاهیم و موضوعات قرآن داشته باشد که بسیار دور از شأن و تقوای مؤلفان فرهنگ قرآن است، و یا اینکه

است یا از عوامل کفر و شرك. ولی پس از تعریف یاد شده، سخن از آثار منفی آسایش به میان می‌آید که عبارتند از: استکبار، تحلیل نادرست، ترك جهاد، تفاخر، سرمستی، شرك، طغیان، ظلم، غرور، فراموشی خدا، فسق، کفر، کفران نعمت، لجاجت در طغیان و هلاکت. این آثار منفی برای آسایش، از تعبیرهایی در قرآن استفاده شده است که اگر همه آنها را کنار هم بگذاریم، بسیار مشکل می‌توان مفهوم و یا ترجمه واحدی برای همه آنها یافت؛ به ویژه اگر آن معادل، «آسایش» باشد. (ص ۱۹۶-۲۱۱)

تعبیری که برای آنها، معادل آسایش - از نوع منفی آن - انتسخاب شده است، بدین قرار است: «اتیناه الکنوز»، «السرائ»، «هم اغنیاء»، «اذقنا ... رحمة»، «فرحوا بما اوتوا»، «ینجیکم من ظلمات البرّ والبحر»، «نعمة»، «کشفنا ما بهم من ضرّ»، «بارکنا فیها»، «خولنا نعمة» و ...

شروع مدخل‌ها به گونه‌ای است که آسایش در شمار امور منفی قرار می‌گیرد، ولی در ادامه سخن از «آسایش ایوب»، «آسایش پیروان نوح»، «آسایش سلیمان» و «آسایش شهیدان» است. (ص ۲۰۲)

یکدستی در بار منفی و مثبت کلمات، در مدخل‌های دائرةالمعارف، بسیار اهمیت دارد؛ کما اینکه در «فرهنگ قرآن» نیز سعی بر آن بوده است. (ر. ک: آرامش، ص ۱۳۶-۱۵۰)

۵. جابه‌جایی مبتدا و خبر

جابه‌جایی مبتدا و خبر، گرچه در عبارات متن، چندان موضوع را تغییر نمی‌دهد، لیکن این تغییر در عناوین و تیتروهای انشایی، بسیار مضر به حال هدف‌گیری‌های مدخل‌ها است. مثلاً در ذیل مدخل «شک به آخرت»، مدخل دیگری گشوده شده است، بدین ترتیب: «دنیا، عرصه‌آزمون برای شک یا ایمان به آخرت». این عنوان از آیه ۲۱ سوره سبا (۳۴) مفهوم‌گیری شده است: «وما کان له علیهم من سلطان الا تعلم من یؤمن بالاخرة ممن هو منها فی شک ...

اولاً از این آیه می‌توان چنین فهمید که حکومت و سلطنت بر قوم خود، آزمونی است برای اندازه‌گیری ایمان انسان‌ها به آخرت. گرچه سلطه‌گری و حکمرانی از مصادیق قدرت‌های دنیوی است، اما مبتدا قرار دادن دنیا در مدخل یاد شده، فقط از باب ذکر عام و اراده‌اخص مناسبت پیدا می‌کند.

ثانیاً در مدخل «دنیا، عرصه‌آزمون برای شک یا ایمان به آخرت» موضوع دنیا است، نه شک به آخرت که مدخل اصلی است. این اشتباه از جابه‌جایی مبتدا و خبر پیش آمده است و درست‌تر آن بود که می‌نوشتند: «شک یا ایمان به آخرت، وسیله‌ای برای آزمودن انسان‌ها در دنیا». (ص ۹۹) این گونه

کشیدن آنها از متن آیات، نیاز به انضمام رهیافت‌هایی بیرون از قرآن و ظواهر آن دارد. آنگاه که میان استظهارات مفسر و متن قرآن فاصله می‌افتد، اعتماد خواننده را به قرآنی بودن دریافت‌های مفسر، کمتر می‌کند. این بدان معنا نیست که مفسران قرآن، همگی باید به ظاهر قرآن بسنده کنند و از آن نگذرند، که:

توز قرآن، ای پسر ظاهر مبین
دیو، آدم را نبیند غیر طین
(مثنوی معنوی)

لیکن همان‌گونه که بر همه اهل تفسیر و تأویل روشن است، چنین دریافت‌هایی در تفسیر، نیاز به توضیحاتی بیش از آنچه در پاورقی‌های «فرهنگ قرآن» آمده است، دارد. ثانیاً جای این‌گونه نازک‌خیالی‌ها در قاموس‌ها و فرهنگ‌ها نیست؛ ثالثاً در این وادی، افزون بر آنکه اعتدال مزاج در تفسیر قربانی می‌شود، تناسبی هم وجود نخواهد داشت؛ یعنی در مواردی که مفسر، دغدغه و توان علمی دارد، استظهارات او به فربهی خواهد گرایید و در جاهای دیگر نحیف و لاغر خواهد ماند. به یک نمونه بسنده می‌شود:

مؤلفان «فرهنگ قرآن» با توسل به چندین آیه، مدخل «آزادی تحقیق» را سامان داده‌اند (ص ۱۶۴)؛ از جمله به آیه ۶ از سوره توبه استناد کرده‌اند:

وان احد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام الله ثم ابلغه مأمنه ذلک بانهم قوم لا یعلمون؛ اگر مشرکی به تو پناه آورد، او را پناه ده تا بشنود سخن خدا را، سپس او را به سرای امن خود برسان. این بدان روی است که آنان مردمی نادان‌اند. نگارنده از این جز این را نمی‌فهمد که از نیازمندی‌های مشرکان و مخالفان باید سود جست و در هر فرصتی سخن حق را در گوش آنان زمزمه کرد. آزادی تحقیق، بدان معنا است که هر انسانی حق دارد در هر موضوعی به فحص و بحث بنشیند و ثبوتاً محدودیت و ممنوعیتی را برای او تعریف نکنیم. و کم من له من نظیر.

۴. واژه‌گزینی‌های جدید

برخی تعبیرها از مدخل، به نظر جدید و ناهمسو با پیشینه آنها می‌آید. مثلاً یکی از مدخل‌های اصلی، «آسایش» است. آسایش در این فرهنگ به دو معنای منفی و مثبت به کار رفته است. در ذیل «آسایش» می‌خوانیم:

آسایش به معنای راحتی است، که حاصل آرامش و رفاه نسبی است. بنابراین، آسایش در کنار هم بودن رفاه و آرامش است، و هر کدام به تنهایی، آسایش را فراهم نمی‌آورد. (ص ۱۹۶)

از این تعریف بر نمی‌آید که «آسایش» در شمار نعمت‌های الهی

جابه‌جایی‌ها که موضوع را در جای محمول می‌نشانند و محمول را به خانه موضوع می‌برد، در کتاب «فرهنگ قرآن» بسیار اتفاق افتاده است.

نمونهٔ دیگر: ذیل «آرامش محمد(ص)» چهار مدخل ریز انتخاب شده است که سومین و چهارمین آن بدین قرار است:
- نزول تدریجی قرآن به منظور تثبیت قلب پیامبر(ص) و راه نیافتن تزلزلی در آن.

- تبیین حوادث مربوط به انبیای گذشته از جانب خدا برای ایجاد آرامش در قلب پیامبر(ص). (ر. ک: ص ۱۴۲)
ملاحظه می‌شود که در این دو عنوان، موضوع و اصل، آرامش پیامبر(ص) نیست؛ بلکه در عنوان نخست، موضوع «نزول تدریجی قرآن» و در عنوان دوم «تبیین حوادث مربوط به انبیای گذشته از جانب خدا» موضوع قرار گرفته است. با توجه به مدخل اصلی که آرامش پیامبر(ص) است، آن دو عنوان، باید به صورت زیر تغییر شکل پیدا کند:

- تثبیت و آرامش قلب پیامبر با نزول تدریجی قرآن.
- ایجاد آرامش در قلب پیامبر با تبیین حوادث مربوط به انبیای گذشته از جانب خدا.

در بیشتر موارد مشابه، با جابه‌جا کردن مبتدا و خبر، مشکل یاد شده برطرف می‌شود و محقق را برای رسیدن به موضوع دلخواه و آیات مناسب با آن، کمک بسیار خواهد کرد.

۶. تناسب حجم و موضوع

گرچه در کتابی مانند «فرهنگ قرآن» که از قبیلۀ معجم‌ها است، رعایت تناسب میان حجم و موضوع، به دست مؤلف نیست و بیش و پیش از هر چیز باید به «متن» نظر داشت، با این همه نمی‌توان اطلاعات و گرایش‌های مؤلفان را در همین مقوله نادیده گرفت. پاره‌ای از موضوعات، هم به لحاظ متن اصلی (قرآن) و هم به لحاظ نیاز جامعه به طرح و بسط آنها، مکان‌های فراخ‌تری را می‌طلبند؛ بویژه در معجمی که گاه به کوچک‌ترین مسائل، بهایی بسیار داده است. مثلاً در ذیل مدخل «آسمان» نزدیک به ۱۱۰ مدخل دیگر آمده است که برخی خود چندین تیر و عنوان را به خود اختصاص داده‌اند (ص ۲۱۱)، اما در کنار همین حجم عظیم دربارهٔ آسمان، مجموعه آنچه دربارهٔ آزادی بیان و مسائل جنسی آمده است، بیشتر از دو مدخل با چند عنوان ریز، نیست. به نظر می‌رسد، اگر مؤلفان این معجم ارزشمند، کوشش بیشتر به عمل می‌آوردند، دربارهٔ هریک از دو موضوع یاد شده می‌توانستند مطالب و مباحث بسیاری را طرح کرده، مدخل‌های راهگشایی را به منصفۀ ظهور رسانند. خصوصاً با اهتمامی که قرآن به تنظیم روابط انسان‌ها از حیث مسائل جنسی

دارد و دقایق بسیاری که در این کتاب آسمانی، دربارهٔ رابطه زن و مرد مطرح است. در ذیل مدخل «آزادی جنسی» ۵ موضوع مطرح شده است که ۳ فقرهٔ آن مربوط به ممنوعیت هم‌جنس‌بازی و سابقهٔ آن نزد اقوام پیشین است. (ص ۱۶۵)

تحقیقاتی که اینک دربارهٔ این موضوع حساس و بسیار مبتلابه، در قرآن شده است، آشکار می‌کند که قرآن کریم نکات بسیار سودمند و راهگشایی را در این باره ارائه فرموده است و کشف و عمل به آنها، گره‌گشای بسیاری از معضلات کنونی جامعهٔ ما است. (ر. ک: آزادی جنسی، نوشتهٔ عباس یزدانی). مع الاسف، در «فرهنگ قرآن» در میان انواع آزادی، بیش از همه به «آزادی نزد پیشینیان» پرداخته است.

۷. اغلاط چاپی

در دو مقدمهٔ کتاب، اغلاطی راه یافته است که کمیت آنها چندان توجیه نمی‌پذیرد. انتظار آن است که چنین کار بزرگ و - ان شاء الله - ماندگساری، کمتر از حد معمول کتاب‌های علمی - تحقیقی، غلط داشته باشد. لیکن فقط در مقدمه کتاب که مطالعهٔ آن برای کسی که قصد استفاده از این معجم را دارد، بسیار مفید و بلکه ضروری است، غلط‌هایی راه یافته است که در بسیاری از جاها خواندن آن را با اشکال و توقف رو به رو می‌کند. مثلاً در صفحهٔ ۱۳، سطر ۱۷، جمله نباید از ابتدای بند آغاز می‌شد؛ زیرا عبارت، دقیقاً ادامهٔ بند پیشین است. اغلاطی که فقط در صفحهٔ ۱۷ به چشم نگارنده آمده است - اعم از چاپی و غیر چاپی - بدین قرار است:

س ۳: آگاه ← گاه.

س ۴: «از حجیم تر شدن مجلدات کتاب، جلوگیری می‌کند» صحیح است، نه «جلوگیری کرد»؛ زیرا هنوز کار به «مجلدات دیگر» نرسیده است.

س ۱۹: «در» در عبارت «در ارجاع و برگرداندن ...» زائد است.

س آخر: «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» صحیح است.

در پایان، افزودنی است که انتشار جلد نخست این فرهنگ جامع، امیدهای بسیاری را در قلوب علاقه‌مندان به قرآن و قرآن‌پژوهی برانگیخته است و امید می‌بریم که هرچه زودتر، چشم دوستداران معارف و حیسانی و علوم قرآنی، به دیگر مجلدات آن روشن شود. فرصت را مغتنم شمرده همهٔ آنان را که در تحقیق، تدوین و انتشار این اثر قرآنی، همت ورزیده‌اند، دست‌مسریزاد می‌گوییم و از خداوند بزرگ برای همهٔ آنان توفیقات بیشتر را خواستاریم.